

رابطه‌ی خلاقیت و هوش هیجانی، با سبک‌های کنار آمدن با استرس

رحیم داوری^۱

هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه‌ی خلاقیت و هوش هیجانی با سبک‌های کنار آمدن با استرس (مساله‌مدار و هیجان‌مدار) در دانشجویان است. نمونه‌ی پژوهش شامل ۳۶۰ (۱۸۰ نفر مذکر و ۱۸۱ نفر مؤنث) دانشجوی مشغول به تحصیل در هفت رشته‌ی تحصیلی است که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های هوش هیجانی بار-ان، خلاقیت عابدی و سبک‌های کنار آمدن با استرس بلینگتر-موس پاسخ دادند. یافته‌های پژوهش، نشان داد که هوش هیجانی با استفاده از سبک کنار آمدن مساله‌مدار، با استرس رابطه دارد. میان خلاقیت و دو سبک کنار آمدن مساله‌مدار و هیجان‌مدار، رابطه‌ی معناداری مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: خلاقیت، هوش هیجانی، سبک‌های کنار آمدن، استرس

مقدمه

امروزه، اهمیت رویدادهای استرس‌زا در بروز مشکلات متعدد فردی و اجتماعی بر کمتر کسی پوشیده است. استرس، بخش انکار ناپذیر زندگی روزانه است که می‌تواند بهداشت جسم و روان را متاثر کند. برخی بر این باورند که استرس با غالب بیماریهای آدمی در رابطه است و چنانچه به نحو مطلوبی اداره نشود، پیامدهای نامطلوب رنج، بیماری و صرف هزینه‌های گزاف را در پی خواهد داشت. استرس‌ها به خودی خود عامل بیماری نیستند بلکه، چگونگی واکنش ما به آنهاست که موجب بیماری می‌شود. تجربه‌ی هیجانهای ناشی از رویدادهای استرس‌زا، معمولاً به حدی برای فرد ناراحت‌کننده است که اقدامات کنار آمدن با استرس را به دنبال خواهند داشت. کنار آمدن با استرس به فرایندی اطلاق می‌شود که فرد برای مهار کردن فشارهای ناشی از استرس به آن‌ها متوسل می‌شود. دو سبک عمده‌ی کنار آمدن، شامل سبک کنار آمدن مساله‌مدار و سبک کنار آمدن هیجان‌مدار است. در سبک کنار آمدن مساله‌مدار، تمرکز شخص بر مساله یا موقعیت پیش آمده است و تلاش پیرامون تغییر مساله یا موقعیت و یا اجتناب از آن در آینده است.

در سبک کنار آمدن مساله مدار، اقداماتی از قبیل: شناخت و آگاهی از مشکل و مساله، بررسی راه حل های ممکن و یا طرح راه حل های متفاوت، بهره مندی عاقلانه از تجربیات و مشورت با دیگران، ارزیابی راه حل ها براساس هزینه ها و مزایای آن، انتخاب راه حل مناسب و عمل مطابق با آن صورت می گیرد.

در سبک کنار آمدن هیجان مدار، تمرکز شخص بر مهار هیجانات منفی ناشی از استرس خواهد بود و معمولاً به هنگامیکه تجربه ی استرس، اجتناب ناپذیر تلقی می شود افراد از این سبک استفاده می کنند. در سبک کنار آمدن هیجان مدار، اقداماتی همچون: اشتغال ذهنی تعمدی برای ایجاد فراموشی، مقصر دانستن خود یا دیگران و گرایش به سو مصرف مواد بعنوان مواجهه های انفعالی صورت می گیرند.

گرچه هر دو سبک کنار آمدن، به کاهش استرس ها می انجامد ولی، تحقیقات نشان داده است که استفاده از سبک کنار آمدن مساله مدار، تبعات سلامت بیشتر و موثرتری خواهد داشت. برای مثال در این سبک، افراد افسردگی کمتری را تجربه می کنند (بلینگز، موس ۱۹۸۴، به نقل از هیلگارد ۱۳۸۴). به دلیل نقش ویژگیهای فردی در گرایش به سبک های مختلف کنار آمدن، در این پژوهش به دو ویژگی فردی هوش هیجانی و خلاقیت به عنوان متغیرهای پیش بین توجه شده است.

تعاریف هوش هیجانی متنوع هستند و راجع به معنی دقیق آن آشفتگی وجود داشته است. زمینه ی هوش هیجانی آنچنان در حال رشد است که پژوهشگران حتی تعریف خودشان از این سازه را مرتباً اصلاح می کنند (دال ویکز و هیگز^۱، ۲۰۰۰).

هوش هیجانی از نظر سالووی و میرز عبارتست از: « توانایی درک هیجانها، پذیرش و جلوه گری هیجانها است، آنچنانکه با تفکر همخوان باشد و فهم هیجانها و دانش هیجانی و تنظیم فکورانه ی هیجانها است، بطوریکه رشد ذهنی و رشد هیجانی افزایش یابد » (سالووی و میرز^۲، ۱۹۹۷). گلמן^۳ (بی تا) هوش هیجانی را ظرفیت آگاهی از احساسات خود و دیگران، در جهت برانگیزاندن خویشتن، برای مدیریت بهینه ی هیجانها در خود و در رابطه های فردی می داند. گلמן می پنداشت که افراد با یک هوش هیجانی عمومی به دنیا می آیند و هوش هیجانی عمومی تعیین

1- Dulewicz & Higgs

2- Salovey & Mayer

3- Goleman

کننده ی ظرفیت آنها برای یادگیری مهارتهای هیجانی است (بویاتزیس، گلن و ری^۱، ۲۰۰۰). از نظر او هوش هیجانی، توانایی مقابله با استرس و تکانه ها و تحمل ضربه های روانی و مهار آشفستگی روانی است (لطفی، ۱۳۸۵). بنا بر نظر بار-ان^۲ (۱۹۹۷) هوش هیجانی دربرگیرنده پنج مولفه به شرح زیر است:

۱- مولفه های درون فردی که بیانگر توانایی شخص در آگاهی از هیجانها و کنترل آن ها است و شامل الف- حرمت نفس (توانایی خودآگاهی، درک و پذیرش خویش و احترام به خود) ب- خودآگاهی هیجانی (میزان آگاهی فرد از احساسات خویش و فهم این احساسات) ج- جراتمندی (ابراز احساسات، باورها، افکار و دفاع از حق و حقوق خویش به شیوه ای سازنده) د- استقلال (توانایی رهبری خود، خویشتن داری فکری و عملی و رهایی از وابستگی های هیجانی)، ه- خودشکوفایی (توانایی تشخیص استعدادهای ذاتی و استعداد انجام کارهایی که شخص نه تنها خواهان اجرای آن است بلکه از توانایی انجام آن نیز برخوردار است و از انجام آن لذت می برد) می شود.

۲- مولفه های میان فردی که توانایی شخص برای سازگاری با دیگران و اعمال مهارتهای اجتماعی است و شامل الف- همدلی (توانایی آگاهی از احساسات دیگران و درک و تحسین آن احساسات)، ب- مسوولیت اجتماعی (توانایی فرد در معرفی خود به عنوان عضوی مفید و سازنده و دارای حس همکاری در گروه اجتماعی خویش)، ج- ارتباط میان فردی (توانایی ایجاد و حفظ روابط رضایت بخش متقابل که نزدیکی عاطفی و صمیمیت از ویژگی های آن) است.

۳- مولفه های سازگاری که شامل الف- آزمون واقعیت (توانایی ارزیابی رابطه ی بین تجربه ی عاطفی-آنچه فرد حس کرده- و عینیت های موجود-آنچه در عالم واقع وجود داشته است)-، ب- انعطاف پذیری (توانایی کنار آمدن با هیجانها، افکار و رفتارهای فرد در شرایط و موقعیتهای متغیر)، ج- حل مساله (توانایی تشخیص، خلق و بکارگیری راه حل های موثر) است.

۴- مولفه های مدیریت استرس که شامل الف- تحمل استرس (تحمل فرد در برابر رویدادهای ناخوشایند، شرایط تنش زا و هیجان های شدید)، ب- کنترل تکانش (توانایی مقاومت فرد در برابر تنش ها یا وسوسه و کنترل هیجانها خویش) است.

1- Boyatzis, Goleman & Rhee

2- Bar-on

۵- مولفه های خلق و خوی عمومی که شامل: الف- خوش بینی: توانایی توجه به جنبه های روشن تر زندگی و حفظ نگرش مثبت، حتی هنگام وجود احساسات منفی و ناخوشایند. ب- (شادکامی): توانایی احساس رضایت از خود و دیگران سرزندگی و ابراز احساسات مثبت (دوستدار ۱۳۸۳، به نقل از صالحی و وکیلی ۱۳۸۵).

قابل ذکر است که اگر چه مطابق با نظر بار-ان، بهر هیجانی (EQ^۱) به معنی اندازه گیری صفات شخصیتی و یا ظرفیت شناختی نیست (بار-ان، ۲۰۰۶). عموماً اندازه گیری های خودگزارشی هوش هیجانی و شخصیتی، یکپارچه می شوند چرا که هر دو مدعی اندازه گیری صفات هستند و هر دو اندازه گیری در قالب خودگزارشی ارایه می شوند (مک کان، متیوس و زیدنر^۲، ۲۰۰۴).

به عدم ثبات تعاریف و توضیحات در مفهوم هوش هیجانی انتقاد وارد شده است. برخی معتقدند که در مولفه های بیان شده ی هوش هیجانی همچون درون نگری درباره هیجانها، ابزار هیجان ارتباط غیر کلامی با دیگران، همدلی، خود نظم بخشی، طرح ریزی، تفکر خلاق و هدایت توجه هیچ عنصر یکپارچه و مشترک مفهومی وجود ندارد در حالیکه صحت نظری یک مفهوم به ثبات در تغییر و شمول آن مبتنی است (لوک^۳، ۲۰۰۵). منتقدان دیگر بیان داشته اند که چنانچه مفاهیم و ابزارهای اندازه گیری از ثبات لازم برخوردار نباشد انجام فرا تحلیلی به سختی محقق خواهد شد و به نظر می رسد که به دلیل این بی ثباتی، انسجام نظریه به مخاطره بیافتد (لاندى^۴، ۲۰۰۵).

با استناد به تعاریف هوش هیجانی و مولفه های مذکور، می توان بصورت نظری به تاثیر و میزان اهمیت هوش هیجانی در گرایش به سبک های مختلف کنار آمدن با استرس واقف شد.

پژوهش سیارچی^۵ و همکاران (۲۰۰۲) در مورد هوش هیجانی و رابطه ی آن با استرس و سلامت روانی نشان داده است که هوش هیجانی، افراد را در برابر استرس محافظت می نماید و به سازگاری و تطابق بهتر کمک می کند بطوریکه مدیریت بهینه تر عواطف و هیجانها خود و دیگران و احساس رضایتمندی را بدنبال خواهد داشت.

تافت^۶ (۱۹۹۷) نیز در پژوهش خود دریافت که بین توانایی همدلی و هوش آزمودنی ها و سازگاری روانشناختی و علائق زیباشناختی آنها، همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. این افراد از

1- Emotion Quotient

2- Mac Cann, Matthews & Zeidner

3- Locke

4- Landy

5- Ciarrochie

6- Taft

توانایی سازش و انطباق روانشناختی بالاتری برخوردار هستند (کربلایی، ۱۳۷۴). خلاقیت، متغیر پیش بین دیگری است که رابطه ی آن به همراه هوش هیجانی، با متغیر ملاک سبک های کنار آمدن با استرس، مورد بررسی قرار گرفته است. همچون هوش هیجانی، از خلاقیت نیز تعاریف متعددی بعمل آمده است. گالاگرو گالاگر^۱ (۱۹۹۴) خلاقیت را فرایندی ذهنی می داند بطوریکه یک فرد عقاید یا فرآورده های تازه ای خلق می کند و یا اینکه عقاید و فرآورده های موجود را در سبکی که برای خودش یا دیگری بدیع باشد، ترکیب می نماید. سیکزنتمی هالی و ولف^۲ (۲۰۰۰) خلاقیت را فکر یا فرآورده ی نوآورانه ی ارزشمند و دارای قابلیت اجرا دانسته اند. بنظر می رسد که برخی از تعاریف و دیدگاه ها در مورد خلاقیت، به مفاهیم موجود در تعاریف و توضیحات هوش هیجانی نزدیک باشد. برای نمونه می توان به دیدگاه تورنس و رولومی در خصوص خلاقیت اشاره کرد. تورنس (۱۹۷۹)، درگیری عمیق و توانایی ابراز عاطفی را در امور خلاقه، مهم می داند و معتقد است که عواطف و احساسات در پذیرش ایده های جدید اهمیت فوق العاده ای دارند و آن دسته از افرادی که در زمینه ی عرضه ی ایده هایشان به دیگران فعالیت می کنند نه تنها باید از عواطف و احساسات خود آگاه باشند بلکه باید از عواطف و احساسات دیگرانی که ایده به آنان عرضه می شود نیز آگاهی داشته باشند.

به طور کلی، فرآیندهای خلاقیت، غیر عقلانی نبوده بلکه فوق عقلانی اند که فعالیت های فکری ارادی و عاطفی را گرد هم آورده به تحریک و می دارد. وی معتقد است که تفکر خلاق، نمایش بالاترین درجه ی سلامت عاطفی بوده و عبارت از ابراز وجود افراد سالم در جریان خود بهسازی و تکامل خویش است.

روش پرورش خلاقیت سینکتیکز که یکی از روشهای معروف پرورش خلاقیت است، خود را از قید و بند کلیشه ای منطق و استدلالات منطقی رها می کند و برای تقویت و تجلی تفکر خلاق از ظرفیت های احساسی و عاطفی بهره می گیرد. پژوهشگران، روش سینکتیکز برای بررسی حالات عاطفی و روانی، که معمولا در جریان بروز تفکر خلاق وجود دارد، به مطالعه ی حالات عاطفی و روانی افراد موفق در لحظه ی رخداد خلاقیت و در جریان کشف یک پدیده و یا نیل به یک اختراع پرداخته اند و بر این اساس توانسته اند این حالات عاطفی و روانی و نیز عملکردهایی که به

1- Gallager & Gallager

2- Csikzentmihalyi & Wolf

این حالت های عاطفی و روانی منجر می شوند را شناسایی کنند (داوری، ۱۳۸۳). درخصوص خلاقیت و سلامت روانی، یافته هایی وجود دارند که یافته ی فوق را تایید نمی کنند. برخی از پژوهشگران، موارد متعددی از اختلال شیدایی- افسردگی و زمینه هایی از اختلالات نوروتیک را در افراد خلاق گزارش کرده اند (پرنسکی^۱، ۱۹۸۹). اندریسن^۲ موارد متعددی از اختلال شیدایی- افسردگی را در دوره هایی از زندگی افراد خلاق گزارش کرده است (تسبیح سازان، ۱۳۸۰). در پژوهش بارتون، شانون کی^۳ (۱۹۹۱) رابطه ی خلاقیت و استعداد با تغییرات رویداد زندگی ادارک شده و کنار آمدن با استرس با ۱۴۰ آزمودنی بررسی و ضریب همبستگی ۰/۱۶ و ۰/۱۶ بدست آمد. در بهترین ترکیب، مجموع نمرات خلاقیت و استعداد و نمرات رویداد زندگی و رفتار کنار آمدن، همبستگی محاسبه شده $r = 0/28$ بود که در سطح ۰/۰۵ ($p = 0/066$) معنی دار نبود. در مشارکت آزمودنی ها در این بررسی، رابطه ی معنی داری بین خلاقیت و استعداد و تغییرات رویداد زندگی ادراک شده و سبک های کنار آمدن برای رویدادهای زندگی استرس زا وجود نداشت. در پژوهش دیگری توسط ویلدهاگن^۴ (۱۹۹۸)، آزمودنی های دارای خروجی برای استرس، بصورت معنی داری استرس پایین تری داشتند و تفاوتی بین سطح خلاقیت و خروجی برای استرس یافت نشد. با توجه به اینکه خلاقیت و هوش هیجانی از جمله ویژگیهای قابل آموزش و قابل ارتقا می باشند. برای افزایش سطح سلامت فردی و اجتماعی مهم خواهد بود که معنی داری رابطه ی آن ها با سبک های کنار آمدن با استرس مورد بررسی قرار گیرند. لذا هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی معنی داری خلاقیت و هوش هیجانی با سبک های کنار آمدن مساله مدار و هیجان مدار است.

روش تحقیق

جامعه ی آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه ی پژوهشی، شامل دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ می باشد. از این تعداد، براساس نظر لیندمن و همکاران (۱۹۸۰) و دارلینگتون (به

1- Prentky

2- Anderson

3- Burton, Shannon Kay

4- Wildhagen

نقل از هومن، (۱۳۸۰) به تعداد ۳۶۱ نفر مشتمل بر ۱۸۰ دانشجوی مذکر و ۱۸۱ دانشجوی مونث در هفت رشته ی تحصیلی با روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند.

ابزار

در این پژوهش از سه پرسشنامه استفاده شده است:

پرسشنامه ی هوش هیجانی بار - ان: این پرسشنامه توسط سموعی و همکاران از ۱۱۷ سوال به ۹۰ سوال تقلیل داده شد و هنجاریابی آن بعمل آمد. گزینه ها بر روی یک طیف ۵ درجه ای لیکرت تنظیم شده اند، نمره گذاری از ۵ به ۱ (کاملاً موافقم ۵ و کاملاً مخالفم ۱) و در برخی از سوالات با محتوای منفی یا معکوس، یعنی از ۱ به ۵ (کاملاً موافقم ۵ و کاملاً مخالفم ۱) انجام می شود. نمره ی کل هر مقیاس، برابر با مجموع نمرات هر یک از سوالات آن مقیاس و نمره ی کل آزمون برابر با مجموع نمرات ۱۵ مقیاس می باشد که در پژوهش حاضر، نمره ی کل آزمون، مد نظر بوده است. پایایی آزمون از طریق آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۳٪ گزارش گردید که با فرم ۱۱۷ سوالی، یکسان می باشد.

پرسشنامه ی خلاقیت جمال عابدی: پرسشنامه ی خلاقیت عابدی، شامل ۶۰ سوال سه گزینه ای است و براساس آزمون خلاقیت تورنس و برای ارزیابی ۴ مولفه ی سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط، تدوین شده است. برای تمامی سوالات، گزینه ها از کم به زیاد (از الف تا ج) مرتب شده اند. نمره گذاری آزمون به صورت عینی و ساده است. برای تمامی سوالات، ارزش نمرات برابر و براساس نمره ی کل آزمودنی تعبیر و تفسیر انجام می گردد. بدین ترتیب می توان برای گزینه (الف) صفر امتیاز، گزینه (ب) یک امتیاز و گزینه (ج) دو امتیاز در نظر گرفت. اعتبار آزمون از طریق آلفای کرونباخ برای مولفه های سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۷، ۰/۶۱، ۰/۶۱ بدست آمده است. روایی آزمون با آزمون خلاقیت تورنس و دیگر آزمون ها با حدود اطمینان ۰/۹۹ معنی دار گزارش شده است.

پرسشنامه ی کنار آمدن با استرس بیلینگز - موس: شامل ۱۹ جمله است که پنج دسته پاسخهای کنار آمدن را جداگانه ارزیابی می کند. این پنج دسته عبارتند از: پاسخهای کنار آمدن شناختی پاسخهای کنار آمدن رفتاری، پاسخهای کنار آمدن اجتنابی، پاسخهای کنار آمدن متمرکز بر حل مساله و پاسخهای کنار آمدن متمرکز بر هیجان. در پژوهش حاضر، دو سبک اخیر کنار آمدن

متمرکز بر حل مساله و کنار آمدن متمرکز بر هیجان، هر یک به ترتیب با ۸ و ۱۱ جمله در تجزیه و تحلیل استفاده شدند. براهنی و موسوی (۱۹۷۱) پرسشنامه ی اصلی را به صورت مقیاس لیکرت ۴ نقطه ای (صفر تا ۳ نمره) تدوین کردند و اعتبار همسانی درونی ۰/۴۱ تا ۰/۶۶ را برای پرسشنامه گزارش کردند. پورشهباز (۱۳۷۲) پایایی پرسشنامه را با روش تصنیف و با استفاده از فرمول تصحیح اسپیرمن - براون محاسبه و ضریب پایایی ۰/۷۸ را گزارش نمود.

یافته ها

جهت بررسی رابطه ی متغیرهای پیش بین خلاقیت و هوش هیجانی با متغیر ملاک سبک های کنار آمدن (مساله مدار یا هیجان مدار) از آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه در روش Enter استفاده شد. ابتدا، یافته های حاصل از آزمون رابطه ی خلاقیت و هوش هیجانی با سبک کنار آمدن مساله مدار به ترتیب در جداول ۱ و ۲ و ۳ ارایه شده است.

جدول ۱: خلاصه ی ضریب همبستگی خلاقیت و هوش هیجانی با سبک کنار آمدن مساله مدار

مدل	ضریب همبستگی	ضریب همبستگی مجذور شده	خطای معیار برآورد
۱	۰/۴۲۳	۰/۱۷۵	۴/۴۵۱

متغیرهای پیش بین: خلاقیت، هوش هیجانی.

داده های جدول ۱ حاکی از این است که تقریباً ۰/۱۸ پراکندگی مشاهده شده در سبک کنار آمدن مساله مدار، توسط دو متغیر پیش بین خلاقیت و هوش هیجانی توجیه می شود. همچنین با توجه به مقدار ضریب همبستگی بدست آمده (۰/۴۲۳) که همبستگی میان مقدار مشاهده شده متغیر ملاک و مقدار پیش بینی شده آن از روی مدل رگرسیون است می توان به واسطه ی متغیرهای پیش بین، مقدار متغیر ملاک را پیش بینی کرد. با توجه به مقدار مجذور ضریب همبستگی سازگار شده (۰/۱۷۵) می توان چنین قضاوت کرد که مدل انتخاب شده، تقریباً ۱۷ درصد واریانس متغیر ملاک (سبک کنار آمدن مساله مدار) را شامل می شود.

با توجه به جدول ۲، نسبت F محاسبه شده (۳۹/۰۸۲) در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است. بنابراین می توان چنین قضاوت کرد که بین سبک کنار آمدن مساله مدار و دو متغیر پیش بین

خلاقیت و هوش هیجانی، رابطه ی معنی داری وجود دارد و حداقل یکی از ضرایب رگرسیون معنی دار خواهد بود.

جدول ۲: خلاصه ی تحلیل واریانس برای سبک کنار آمدن مساله مدار و دو متغیر پیش بین خلاقیت و هوش هیجانی

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنی داری
رگرسیون	۱۵۴۸/۲۸۵	۲	۷۷۴/۱۴۳	۳۹/۰۸۲	۰/۰۰۰
باقیمانده	۷۰۹۱/۲۵۰	۳۵۸	۱۹/۸۰۸		
کل	۸۶۳۹/۳۵۳	۳۶۰			

متغیرهای پیش بین: خلاقیت، هوش هیجانی.

متغیر ملاک: سبک کنار آمدن مساله مدار.

در جدول ۳، ضرایب رگرسیون سبک کنار آمدن مساله مدار با دو متغیر پیش بین خلاقیت و هوش هیجانی ارائه شده است.

جدول ۳: ضرایب رگرسیون سبک کنار آمدن مساله مدار با دو متغیر پیش بین خلاقیت و هوش هیجانی

مدل	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده	سطح معنی داری
عدد ثابت	۲/۳۳۶	۲/۴۷۷	۰/۳۴۶
خلاقیت	۰/۰۲۶	۰/۰۱۸	۰/۱۴۹
هوش هیجانی	۰/۰۴۸	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰

متغیر ملاک: سبک کنار آمدن مساله مدار.

همان گونه که می بینیم با استفاده از روش Enter (۰/۱۷۵) = مجذور R سازگار شده و $P < ۰/۰۰۰۵$ و $F_۲ = ۳۵۸$ مدلی معنا دار بدست آمده است. با استفاده از ضرایب موجود در جدول ۳، معادله ی رگرسیون به صورت زیر تدوین می شود:

(هوش هیجانی) $+ ۰/۳۸۰ = ۲/۳۳۳۶$ سبک کنار آمدن مساله مدار

بنابراین نتیجه می گیریم که سبک کنار آمدن مساله مدار از طریق هوش هیجانی دانشجویان، قابل پیش بینی است. یافته های حاصل از آزمون، رابطه ی خلاقیت و هوش هیجانی با سبک کنار آمدن هیجان مدار به ترتیب در جداول ۴ و ۵ و ۶ ارایه شده است.

جدول ۴: خلاصه ی ضریب همبستگی خلاقیت و هوش هیجانی با سبک کنار آمدن هیجان مدار

مدل	ضریب همبستگی	ضریب همبستگی مجذور شده	مجذور همبستگی خطای معیار
۱	۰/۰۹۷	مجذور شده	برآورد
	۰/۰۹۷	۰/۰۰۹	۲/۸۲۷

متغیرهای پیش بین: خلاقیت و هوش هیجانی.

داده های جدول ۴ حاکی از این است که تنها ۰/۰۰۹ پراکندگی مشاهده شده در سبک کنار آمدن هیجان مدار توسط دو متغیر پیش بین خلاقیت و هوش هیجانی قابل توجیه است. مقادیر ضریب همبستگی محاسبه شده (۰/۰۹۷) که همبستگی میان مقدار مشاهده شده ی متغیر ملاک و مقدار پیش بینی شده ی آن از روی مدل رگرسیون است و مقدار مجذور ضریب همبستگی سازگار شده (۰/۰۰۴) که میزان واریانس متغیر ملاک (سبک کنار آمدن هیجان مدار) توسط مدل انتخاب شده را شامل می شود اندک می باشد.

جدول ۵: خلاصه ی تحلیل واریانس برای سبک کنار آمدن هیجان مدار و دو متغیر پیش بین

خلاقیت و هوش هیجانی					
مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنی داری
رگرسیون	۲۷/۲۳۷	۲	۱۳/۶۱۹	۱/۷۰۴	۰/۱۸۳
باقیمانده	۲۸۶۱/۱۷۲	۳۵۸	۷/۹۹۲		
کل	۲۸۸۸/۴۱۰	۳۶۰			

متغیرهای پیش بین: خلاقیت، هوش هیجانی.

متغیر ملاک: سبک کنار آمدن هیجان مدار.

با توجه به جدول ۵، نسبت F محاسبه شده (۱/۷۰۴) در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار نیست یعنی مدل معنا دار نیست. بنابراین می توانیم این چنین قضاوت کنیم که میان سبک کنار آمدن هیجان مدار و دو متغیر خلاقیت و هوش هیجانی رابطه ی معنی داری وجود ندارد.

در جدول ۶، ضرایب رگرسیون سبک کنار آمدن هیجان مدار با دو متغیر خلاقیت و هوش هیجانی ارائه شده است.

جدول ۶: ضرایب رگرسیون سبک کنار آمدن هیجان مدار با دو متغیر خلاقیت و هوش هیجانی

سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد نشده		مدل
		ضرایب استاندارد شده		
		B	خطای معیار	
		بتا		
۰/۰۰۰	۶/۰۲۱	—	۱/۵۷۳	عدد ثابت
۰/۱۰۴	-۱/۶۳۱	-۰/۰۹۷	۰/۰۱۱	خلاقیت
۰/۱۲۶	۱/۵۳۵	۰/۰۹۲	۰/۰۰۴	هوش هیجانی

متغیر ملاک: سبک کنار آمدن هیجان مدار.

در این جا نیز، با استفاده از روش Enter، مدل معنی داری بدست نیامد. ($p=0/004$) مجذور R سازگار شده و $p=0/183$ و $F_2=358/1704$. بنابراین هیچ یک از متغیرهای خلاقیت و هوش هیجانی، پیش بینی کننده ی معنی داری نبودند، پس نتیجه می گیریم که سبک کنار آمدن هیجان مدار از طریق هوش هیجانی و خلاقیت دانشجویان قابل پیش بینی نمی باشد.

بحث و نتیجه گیری

یافته ها نشان می دهد که هوش هیجانی می تواند برای پیش بینی استفاده از سبک کنار آمدن مساله مدار بکار رود. با توجه به عناصر مولفه های مختلف در هوش هیجانی و قابلیت های ذهنی و سازگاران هوش هیجانی که توسط سالووی و میر (۱۹۹۷) و تافت (۱۹۹۷) و گلمن (۱۹۹۸) بیان شده است، هوش هیجانی، نقشی تعیین کننده در استفاده از سبک کنار آمدن مساله مدار با استرس دارد. این یافته ها با پژوهش سیاروچی و همکاران (۲۰۰۲) مبنی بر کمک هوش هیجانی به سازگاری و تطابق بهتر و مدیریت بهینه تر عواطف و هیجانها خود و دیگران و پیامد احساس رضایتمندی، هماهنگ است.

همچنین یافته ها حاکی از این است که سبک کنار آمدن هیجان مدار توسط خلاقیت و هوش هیجانی دانشجویان، قابل پیش بینی نیست. به عبارت دیگر، خلاقیت و هوش هیجانی برای استفاده از سبک کنار آمدن هیجان مدار تعیین کننده نیستند. در ارتباط با هوش هیجانی یکی از دلایل می تواند این باشد که هوش هیجانی با رفتارهای سازگاران و خود آگاهانه ی احساسات و هیجانها

همخوانی دارد و این موارد با تمایل به استفاده از سبک کنار آمدن هیجان مدار در تباین است. قابل پیش بینی نبودن سبک کنار آمدن هیجان مدار بوسیله ی خلاقیت نیز با یافته ی بارتون شانون کی (۱۹۹۱) هماهنگ است.

با توجه به نقش هوش هیجانی در استفاده از سبک کنار آمدن مساله مدار با استرس و بدلیل پیامدهای سلامتی بیشتر و موثرتر استفاده از سبک کنار آمدن مساله مدار (بلینگز، موس ۱۹۸۴ به نقل از هیلگارد) و نظر به اینکه هوش هیجانی، قابل آموزش و ارتقا می باشد می توان امیدوار بود که با ارتقا هوش هیجانی آحاد جامعه، خصوصا کودکان و نوجوانان، سلامت جامعه ارتقا خواهد یافت.

منابع

- اتکینسون، اتکینسون، اسمیت، بم، هوکسما (۱۳۸۱). زمینه روان شناسی هیلگارد. ترجمه محمد نقی براهنی و همکاران. (تهران: رشد)
- تسیح سازان، رضا (۱۳۸۰). روان شناسی رشد خلاقیت و ارتباط آن با شخصیت و هوش. نشریه رهیافت. شماره ۲۶.
- تورنس، ئی پال (۱۳۷۵). استعدادها و مهارت های خلاقیت و راه های آزمون و پرورش آن ها (ترجمه حسن قاسم زاده، تهران). نشر دنیای نو.
- داوری، رحیم (۱۳۸۳). روان شناسی کودکان تیزهوش و روشهای آموزش ویژه. تهران: نشر سیب.
- صالحی، محمد. و کیلی، خاتون (۱۳۸۵). رابطه بین هوش هیجانی و سلامت سازمانی مدیران و کارکنان دانشگاه پیام نور. مجموعه مقالات ارائه شده در همایش روان شناسی و جامعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- کربلایی، احمد. میگونی، محمد (۱۳۷۴). رابطه هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی روانی (عاطفی) دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد، (چاپ نشده) دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- گلمن، دانیل (۱۳۸۰). هوش هیجانی، (ترجمه نسرين پارسا). نشر رشد.
- لطفی، فرح (۱۳۸۵) هوش هیجانی: واقعیت ها و ادعاها. فصل نامه روان شناسی کاربردی. شماره ۲.

- لیدن، لوری ای - رونستاین (۱۳۷۹). مقابله با فشارهای روانی، (ترجمه مجتبی جزایری، مه‌رمان اشکانیان). نشر پیکان.
- هارگریوز، جرارد (۱۳۸۳). *مدیریت استرس*، (ترجمه مرتضی مقدمی پور تاریخ). تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.
- هومن، حیدر علی (۱۳۸۰). *تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری*، تهران: نشر پارسا.
- Bar- on, R. (2006). The Bar- on model of emotional- social intelligence (ESI). *Psicothema*, 18, Supl., 13-25.
- Boyatzis, R., Goleman, D., & Rhee, K. (2000). Clustering Competence in emotional in telligence: insights From the emotional Competence inventory (ECI). In R. Bar- on & J. D.A. Parker (eds): *Handbook of emotional intelligence* (PP. 343- 362). San Francisco: Jossey- Bass.
- Burton , Shannon Kay. (1991). Relationship of creativity and talent with perceived life event changes and coping with stress .*Http ://proQuest .umi.com*.
- Ciarrochie ,V.Jaseph dean . P.Frank .Anderson , Stephen (2002). Emotional Intelligence Moderaters The relashenship between stress and Mental helth . *Journal of personality and Individual differences* .
- Clecierski , Frank (2007) . Emotional Intelligence and Coaching . [http://www.rac-coaching.com/Emotional Intelligence](http://www.rac-coaching.com/Emotional%20Intelligence) .
- Csikzentmihalyi, M . Wolf , R(2002) . *New conception and Research Approaches to creativity* : Implications of systems perspective for creativity in Education .
- Dulewicz V & Higgs M. (2000). Emotional intelligence- A review and evaluation Study. *Journal of Managerial Psychology* 15 (4), 341- 372.
- Galleger , J. J. Gallager, S. A(1994). *Teaching the Gifted child* (4th ed). Allyn & bacon Inc .
- Landy, F. J. (2005). Some historical and Scientific issues related to research on emotional intelligence. *Journal of organizational Behavior*, 26, 411- 424.
- Locke, E. A. (2005). Why emotional intelligence is an invalid Concept. *Journal of organizational Behavior*, 26, 425- 431.
- Mac Cann, C., Roberts, R. D., Matthews, G., & Zeidner, M. (2004). Consensus Scoring and empirical option Weighting of Performance-based emotional intelligence tests. *Personality & Individual Differences*, 36, 645- 662.
- Prentky . R. (1989). Creativity and Psychopathology ; Gambling at the seat of madness in j.A. Glower.R Ronning & C.R Rynolds ,(Eds.) *Handbook of Creativity* . New York ; Plenum press .

- Rosa Aurora Chavez –Eakle., Ma.del Carmen Lara, Carlos Crus –Fuentes (2006). Personality :A Possible Bridge Between creativity and psychopathology? [http:// proQuest . umi .com](http://proQuest.umi.com).
- Wildhagen , M. Cristy (1998) . Approaches stress Manegment : The Relationship between creativity and stress level. [http:// clearinghouse. missouri western . manuscripts .](http://clearinghouse.missouriwestern.manuscripts)

